

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

گزارشگر: زهرا جعفرزاده
۱۴ اکتوبر ۲۰۲۳

پناهندگان افغانستان در زیر تیغ تیز ناسیونالیسم افراطی؛ رانده از وطن، بی پناه در خانه میزبان



گزارش میدانی همیهن از سفارت افغانستان و اقبالیه قزوین منطقه‌ای که به خانه مهاجران افغانستان حمله شد

زهرا جعفرزاده: شیشه‌ها و قفل‌های شکسته، اجاق‌گاز و دوجرخه و بخاری که جایش در حیاط خالی است، کودکان خردسالی که از شوک‌وارد، ۴ روز است از خانه بیرون نیامده‌اند؛ پنجشنبه ظهر هفته گذشته برای ساکنان محله افغانستان‌نشین شهر اقبالیه قزوین، روز خوبی نبود. آنها در شیشه‌ای خانه را قفل کرده، همدیگر را در آغوش کشیده و فریاد می‌زدند. آن سوی درهای شیشه‌ای اما مردانی جوان با چوب و شیلنگ، قفل در آهنی را شکسته و با مشت و لگد و چوب، هر آنچه سر راهشان بود، شکستند و خراب کردند. حیاط خانه‌ها نقلی است، شاید به زحمت ۵-۶ نفر در آن جا شوند و کودکان به چشم خود دیدند که جلوی در هر خانه نزدیک ۲۰ نفر جمع شدند، خراب کردند و سراغ خانه بعدی رفتند. فردای آن روز محله خالی شد، هیچکس جرأت بیرون آمدن نداشت، در محله شایع شده بود که این حمله‌ها ادامه دارد؛ درست مانند همان روز پنجشنبه که خبر حمله به خانه افغان‌ها دهان‌به‌دهان چرخیده بود. برخی شنیدند و در خانه پنهان شدند، گروهی از سر زمین‌های کشاورزی به خانه اقوامشان رفتند و تعدادی هم از همه‌جا بی‌خبر، شوکه شدند. صدای داد و فریادها و شکستن شیشه‌ها هنوز تن محدثه دختر مهرالله دوساله را می‌لرزاند. محدثه با دیدن هر مردی که ریش دارد، به گریه می‌افتد.

موضوع مخالفت با حضور افغان‌ها، محدود به این محله نیست. اخیراً در شبکه‌های اجتماعی کارزاری با عنوان اخراج مهاجران افغان راه‌اندازی شد و دست‌به‌دست هم چرخید. بسیاری آن را امضاء کردند و از بیرون رفتن مهاجران خارجی حمایت کردند. شروع این اتفاقات هم شاید به صحبت‌های مسؤولان درباره تعداد مهاجران افغانستان در کشور برمی‌گردد؛ زمانی که گفته شد جمعیت آنها در ایران به ۸ میلیون نفر رسیده و هر روز حدود ۱۰ هزار نفر به صورت غیرقانونی و قانونی وارد مرزهای ایران می‌شوند. از آن طرف هم اعلام شد که افزایش جمعیت دانش‌آموزان افغانستان به ۷۰۰ هزار نفر رسیده است. بعدتر اما آمار دیگری از تعداد مهاجران افغانستان اعلام شد؛ ۱۰ تا ۱۵ میلیون نفر. قبل‌تر وزیر کشور در ۵ مردادماه- اسد- تعداد مهاجران افغانستان غیررسمی را ۵ میلیون نفر اعلام کرده و گفته بود که آمار منتشرشده از تعداد مهاجران افغانستان در رسانه‌ها، منبع درستی ندارد.

استیصال

محله در سومین روز از هفته، آرام است، زنگ مدرسه خورده و کودکان به سمت خانه‌هایشان می‌روند اما «بانو»، مادر عزت‌الله شاگرد کلاس سوم ابتدائی شیف‌ت دوم، برای بردن پسرش دست‌دست می‌کند: «بچه‌ها را کتک می‌زنند.» خبرهایی از مدرسه رسیده که هم‌کلاسی‌های ایرانی بچه‌های افغان را کتک می‌زنند. مادر هم بچه‌ها را زیر بالویر گرفته، جرأت بیرون بردن‌شان را ندارد: «دیروز ریختند سر یکی از بچه‌ها و کتکش زدند.» عزت‌الله گوشه حیاط ایستاده و به مادر التماس می‌کند که او را ببرد مدرسه و مادر فعلاً این‌پا و آن‌پا می‌کند. جای دوچرخه عزت‌الله گوشه حیاط کوچک خانه‌شان خالی است، مثل بخاری و اجاق‌گاز کوچکی که همان گوشه بود و حالا نیست: «آمدند، زدند، شکستند و رفتند.» بانو، زن میان‌سالی است، می‌گوید ۴۰-۴۱ ساله است اما گرد ۵۰ سالگی روی صورتش است. او اهل مزارشریف است. خانه را نشان می‌دهد با تصویر همسر و پسرش که چندسال پیش بر اثر ابتلا به یک بیماری عفونی جان باختند و حالا او مانده با عزت‌الله و حجت‌الله. بانو برای همین خانه کوچک، ماهانه ۵۵۰ هزار تومان اجاره می‌دهد با ۴۰ میلیون تومان پول پیش.

خانه‌های محله، پر از قصه است؛ قصه حمله‌ای که روز پنجشنبه به آنها شد و بخشی از خانه‌هایشان را ویران کرد. آنها کلانتری هم رفتند و جوابی که به آنها داده شد، همین بود: «بچه‌ها را بیرون نفرستید.» فرمانداری هم رفتند و همین جواب را شنیدند. از آن روز، نانوائی‌های محله به آنها نان نمی‌فروشنند و در کوچه پس‌کوچه‌ها به آنها می‌گویند: «افغانی برو گمشو». آنها می‌شنوند، سرشان را پائین می‌اندازند و می‌روند. بانو می‌گوید چه‌کار کنیم؟ چاره‌ای نداریم. جایی نداریم.

بی‌سابقه

حمله به خانه‌های مهاجران افغان، سیزدهم مهرماه در محله کوچک پیچ‌درپیچی با خانه‌های نقلی رخ داد؛ محله‌ای در دل شهر اقبالیه قزوین که گفته می‌شود ۷۰ هزار نفر جمعیت دارد و در ۸ کیلومتری قزوین قرار دارد. دو روز بعد از این حمله، علی ابراهیمی فرمانده انتظامی استان قزوین گفت که این افراد خودسر بودند و ۱۹ متهم در این باره بازداشت شده‌اند. اهالی ایرانی محل می‌گویند که افغان‌ها اجازه سکونت در تمام مناطق قزوین را ندارند؛ یکی از مناطق اقبالیه است و منطقه دیگر چوبیندر. برخی ساکنان بیش از ۱۰-۱۵ سال است که از تاکستان به اقبالیه آمده‌اند. آنها کارت آمایش دارند، کارتها را نشان می‌دهند و می‌گویند که تابه‌حال چنین اتفاقی بی‌سابقه بوده است: «همیشه مسائلی وجود داشته اما هیچ‌وقت اینطور با ما برخورد نکرده بودند.» یک روز پس از این حمله بود که فرمانده انتظامی قزوین اعلام کرد که

۱۹ نفر از عوامل حمله به خانه مهاجران خارجی دستگیر شده‌اند و مهرالله می‌گوید که برخی از آنها را می‌شناخته و برخی ناشناس بوده‌اند؛ آنها از اهالی محل بوده‌اند. مهرالله می‌گوید که تعداد حمله‌کنندگان بیشتر از ۲۰ نفر بود. او در خانه را نشان می‌دهد و می‌گوید که برای همین در ۴۰۰ هزار تومان خرج کرده. وسایل حیاط همچنان کف زمین بود. آنها چندروز است از خانه بیرون نیامده‌اند: «در خیابان به ما می‌گویند افغانی برو. اگر می‌خواهند ما برویم، به‌طور رسمی به ما بگویند برو. اگر می‌خواهند برویم چرا پاسپورت‌مان را تمدید می‌کنند؟ بگویند بروید، ما هم می‌رویم سرپناه دیگری برای خودمان پیدا می‌کنیم.» صدیقه، خواهر همسر مهرالله است. آنها پولی برای اجاره خانه نداشتند و در خانه برادرش مانده‌اند. آنها ۷ ماه پیش به ایران آمده‌اند، ۱۲ ساله است و مدرسه ثبت‌نامش نکرده: «از مرز تا اینجا هر نفر ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان از ما گرفتند.»

منزل ایرانی است

ایرانیان ساکن محله می‌گویند تعداد افغان‌ها زیاد شده، بنگاهی‌ها خانه‌ها را گران به آنها می‌دهند و همین موضوع سبب‌شده تا قیمت‌ها بالا رود. بیکاری هم زیاد شده و ایرانیان می‌گویند تقصیر افغان‌هاست. خانه طاهره و همسرش دیواربه‌دیوار خانه مرجان است. آنها ایرانی‌اند و روی در خانه‌شان نوشته‌اند: «منزل ایرانی است.» این را دخترشان نوشته تا از حمله مهاجمان در امان باشند. طاهره موافق خروج مهاجران از محله است. او آنها را دلیل بیکاری همسرش می‌داند؛ همسری که ظهر یک روز کاری، در خانه است: «شوهرم می‌رود خیابان برای کارگری. می‌گوید ۵۰۰ تومان، کارفرما قبول نمی‌کند. کارگر افغان می‌گوید ۲۰۰ تومان. کارفرما او را می‌برد. همین شده تا شوهرم بیکار بماند.» آنها گرانی خانه‌ها، کمبود نان و بیکاری مردان را به گردن مهاجران افغانستان می‌اندازند و می‌گویند که کل محله موافق رفتن آنهاست.

خانه اسحاق هم وضعیتی شبیه سایر خانه‌ها دارد. وسط حیاط، چرخ چوبی پر از فلفل‌قرمز است که میان آفتاب پهن شده‌اند تا خشک شوند. اسحاق و خانواده‌اش سر زمین کار می‌کنند و منتظر نویشان هستند. عروس‌شان در حیاط سرک می‌کشد، روز پنجشنبه آنقدر حالش بد شده بود که ترسیده‌اند جنین سقط شود. در خانه آنها هم تخریب شده بود. آنها عروس و بچه‌های دیگر را در آغوش گرفته بودند و از ترس می‌لرزیدند. در آخر هم با پولیس تماس گرفتند تا نجات پیدا کنند. آنها سال ۶۴ به ایران آمده‌اند. قبلاً تاجکستان بوده‌اند و حالا سال‌هاست در این منطقه زندگی می‌کنند: «دیروز جوشکار آمد ۴۵۰ هزار تومان برای تعمیر در گرفت.» آنها چندروز است سر کار نرفته‌اند.

خانه کناری خالی است. احمد، پسر خانه، تازه از مدرسه آمده و ماجرای روز پنجشنبه را تعریف می‌کند که یکی از حمله‌کنندگان قابلمه بزرگ آب را روی مادرش ریخت؛ آبی که جوش بود. در خانه آنها را هم شکستند، دیوار را خراب کردند و ماشین لباس‌شوئی را غر کردند.

همسایه آنها ایرانی است. مرد از دست افغان‌ها کلافه است و تنها دلیل این هجوم به افغان‌ها را گرانی خانه‌ها می‌داند: «ما با آنها کاری نداریم جز این که آنها قیمت خانه‌ها را بالا برده‌اند و گرنه آزار و اذیتی ازطرف آنها ندیده‌ایم.» همسایه دیگر هم می‌گوید که تعداد افغان‌ها خیلی زیاد شده و بنگاهی‌ها از این وضعیت سوءاستفاده کرده‌اند. آنها مشکل امنیتی و بهداشتی دارند. فقط هم در این محله نیستند. در شهر مشعلدار قزوین هم تعدادشان بالاست. آنجا دوبرابر ظرفیتش، مهاجر دارد. او اما به‌طور ضمنی از حمله‌کنندگان دفاع می‌کند: «اتفاق خاصی نیفتاد. فقط در کوچه‌ها بودند.»

مقابل سفارت افغانستان هر روز جمعیت بسیاری در انتظار نشسته‌اند، کنار پیاده‌روها جای سوزن‌انداختن نیست. برخی بساط کرده‌اند و برخی هم روی لبه جوی نشسته‌اند. بیشتری‌ها برای گرفتن تذکره یا همان شناسنامه افغانستان یا نکاح خط که سند ازدواج‌شان است، یا برای تمدید پاسپورت و گرفتن ویزا و گرفتن مدارک برای ارائه به مدارس آمده‌اند. از میان جمعیت اما تعداد دخترانی که با مردان افغانستان در خارج از ایران ازدواج کرده‌اند، بالاست. آنها برای گرفتن سند ازدواج مراجعه کرده‌اند. ریحانه یکی از آنهاست، ۱۸ ساله است و همسرش در المان انتظارش را می‌کشد. با مادرش لبه جوی نشسته تا صدای‌شان کنند. آنها ساکن یکی از شهرک‌ها در ملارد هستند و می‌گویند بیش از ۳۰ سال است در ایران زندگی می‌کنند. کارت آمایش دارند و با پول‌هایی که برادرش از المان فرستاده، خانه خریده‌اند. خانه به‌نام بنگاهی است. آنها همیشه مهمان دارند؛ مهمانانی که اقوام‌شان از افغانستان هستند و راهی ایران شده‌اند. آنها از بیکاری و فقر به کشور همسایه پناه برده‌اند و در مسیر با انواع خشونت‌ها مواجه شده‌اند: «پسر یکی از فامیل‌های مان که ۵ سالش بود در راه از بی‌آبی جان باخت. خانواده همان‌جا روی سرش شن ریخت، دفنش کرد و راهی تهران شد.» قاچاق‌برها آنها را به ایران می‌آوردند، قیمت‌ها متفاوت است اما برای خانواده ۶ نفره عمویش که بتازگی آمده‌اند ۱۴۵ میلیون تومان پول گرفتند: «قاچاق‌برها خیلی خشن برخورد می‌کنند، در مسیر مهاجران را کتک می‌زنند. آنها را در تهران به خوابگاهی منتقل می‌کنند و همان‌روز باید یکی بیاید سراغ‌شان. هیچ‌کس نمی‌داند خوابگاه کجاست. خودشان تاکسی می‌گیرند و راهی‌شان می‌کنند.» مادر ریحانه می‌گوید وقتی آنها به ایران می‌رسند بسیار شرایط بدی دارند. از میان اقوام‌شان چند نفری هم تاکنون رد مرز شده‌اند. اما همین رد مرزی‌ها، ۱۰ میلیون به قاچاق‌برها می‌دهند و دوباره به شهر برمی‌گردند. با همه این شرایط آنها می‌گویند که تعداد اقوام‌شان که راهی ایران شده‌اند بسیار زیاد شده. این درحالی‌است که در هفته‌های اخیر حملات زیادی به افغان‌ها شده. مثل مردی که در صف نانوائی بود و چند ایرانی می‌خواستند زودتر از او نان بگیرند. او اجازه نداد، درگیر شده‌اند و کتک خورده. یا روز جمعه که تعدادی وارد مسجدشان شده‌اند و شروع به زدن مردم کرده‌اند. روحانی‌شان را هم بتازگی در خیابان زده‌اند.

آنها می‌گویند در این سال‌ها مشکلی نداشته‌اند. هرچند اجازه تحصیل نداشته‌اند، مثل برادرش که کلاس نهم برای انتخاب رشته، رشته تجربی را انتخاب کرده بود اما مدرسه به او گفته بود که مهاجران نمی‌توانند رشته تجربی را انتخاب کنند. او هم ترک تحصیل کرد و به المان رفت. ریحانه می‌گوید خواهر و برادرانش همه ترک تحصیل کرده‌اند. با همه اینها ریحانه می‌گوید خیلی از آنهایی که بتازگی وارد ایران می‌شوند حتی از نظر فرهنگی با سایر افغان‌ها متفاوتند و شاید در اینجاست که تشنج ایجاد می‌شود.

مهلا هم گوشه پیاده‌رو به دیوار سفارت تکیه زده و منتظر است. تعدادی برگه در دستش است و می‌گوید که همسرش در سویدن زندگی می‌کند و برای کارهای نکاح خط یا همان سند ازدواج آمده است. او ۲۵ ساله است، در ایران به دنیا آمده و در کاشان در محله عرب‌ها زندگی می‌کند؛ محله‌ای که حالا دیگر مهاجر عرب ندارد. او می‌گوید که همسرش وقتی به ایران آمده، در اولین روز به استخر رفته اما در استخر به او گفته‌اند افغان‌ها را راه نمی‌دهند. وقتی هم برای اجاره سوویت رفته‌اند، به آنها اعلام کرده‌اند که به افغان‌ها سوویت نمی‌دهند. حتی بتازگی هم برای کارهای بانکی به بانک رفته بود که متصدی به او گفته بود کارت بانکی دیگر تمدید نمی‌شود: «هر وقت برای کاری مراجعه می‌کنیم، می‌گویند دستگاه بسته شده است. دستگاه به دستور اشخاصی بسته یا باز می‌شود.» اقوام آنها در اصفهان زندگی می‌کنند و از آنها شنیده که در آنجا هم اوضاع بد است و در خیابان خفت‌شان می‌کنند. برای مهلا، بدترین خاطرات مهاجرت‌سبزی مربوط به دوران کودکی است. وقتی به مدرسه می‌رفته و آنجا دانش‌آموزان می‌گفتند، نمی‌خواهند کنار مهلا بنشینند: «همیشه

طور دیگری به ما نگاه می‌کنند. حتی وقتی رفتم دانشگاه. در حالی که ما قانونی هستیم و پاسپورت دانشجویی داریم.» مهلا در رشته حقوق درس خوانده و تا مدتی پرونده حقوقی اقوام‌شان را پیگیری می‌کرده است.

شبانۀ زن جوان ۲۶ ساله‌ای است که حدود یک‌ماه است به ایران آمده. او هم برای گرفتن سند نکاحش به سفارت مراجعه کرده و می‌گوید در همین یک‌ماه، برخورد خاصی از ایرانیان ندیده اما قیمت‌ها را با آنها چندین برابر حساب می‌کنند. او می‌گوید که اهالی افغانستان از سر ناچاری به ایران می‌آیند. آنجا بیکاری بسیار شدید است و دختران دیگر نمی‌توانند به مکتب و دانشگاه بروند و همه در فقر به‌سر می‌برند. او قرار است بزودی راهی دنمارک شود. او به نقل از اقوامش می‌گوید که در ایران با آنها رفتار بدی شده است.

موج مهاجرت از روستاهای افغانستان

پیمان حقیقت‌طلب، مدیر پژوهش انجمنی به‌نام دیاران است که در حوزه مهاجران فعالیت می‌کند. او معتقد است آنچه در فضای مجازی در ارتباط با مهاجرت‌سنجی و به‌طور مشخص افغان‌سنجی رخ داده، سازمان‌دهی شده است، چرا که به‌طور هم‌زمان مطالب و محتوا در ارتباط با این موضوع تولید و به‌طور گسترده هم منتشر شد و شایعه‌پراکنی فراوانی اتفاق افتاد. حقیقت‌طلب سال‌هاست در حوزه مهاجران افغانستان و مشکلات آنها فعالیت کرده و حالا با مشاهده موج افغان‌سنجی، به تحلیل وضعیت می‌پردازد. به اعتقاد او، اتفاق رخ‌داده تک‌عاملی نیست و مجموعه‌ای از عوامل، این اتفاق را سبب شده که یکی از آنها وضعیت اقتصادی ایران است. از سوی دیگر هم در تمام جوامع، مهاجران کوتاه‌ترین دیوار را دارند و خیلی راحت مشکلات را به گردن‌شان می‌اندازند و این مسأله هم تنها مختص به ایران نیست.

حقیقت‌طلب البته افزایش موج مهاجرت افغان‌ها پس از تسلط طالبان را در وضعیت رخ‌داده، بی‌تاثیر نمی‌داند: «بیشتر این مهاجران شاید در سه، چهار ماه اول مهاجرت‌شان به‌دلیل ناامنی در افغانستان به ایران آمدند اما آنچه باعث ماندگاری‌شان شد، شرایط اقتصادی بود. به‌هر حال وضعیت افغانستان وخیم است و آنها با کوچک‌شدن اقتصادشان حتی تورم منفی را تجربه می‌کنند.» اما این تمام ماجرا نیست. به اعتقاد این فعال اجتماعی، میان مهاجران قبلی و جدید، تفاوت‌هایی وجود دارد؛ آنها که سابقه حضور طولانی در ایران دارند، بسیاری از مسائل را پذیرفته‌اند، کارت اقامت دارند، مدرسه رفته‌اند و شبیه ایرانیان رفتار می‌کنند. اما در موج جدید که از حدود دو سال پیش شروع شده، خیلی از مهاجران از جوامع روستائی افغانستان وارد ایران شده‌اند و هنوز نتوانسته‌اند با فرهنگ و شرایط ایران کنار بیایند، از سوی دیگر چون تعدادشان زیاد شده بیشتر از قبل به‌چشم مردم می‌آیند. شاید تصور می‌شود این اتفاقات مربوط به هفته‌های اخیر است، اما این‌طور نیست و به‌تدریج چنین اتفاقی افتاده است.

آمارهای متناقض

به گفته او با وجود حضور طولانی مدت مهاجران افغان در ایران، اطلاع دقیقی از تعدادشان وجود ندارد. یک‌جا می‌گویند ۵ میلیون نفر، جای دیگر ۱۰ و حتی ۱۵ میلیون نفر. در حالی که این افراد سرشماری شده‌اند و می‌توان آمارشان را اعلام کرد؛ این که در کدام استان‌ها حضور دارند و بیشترین جمعیت مربوط به کدام استان است. به‌هر حال این آمارها وجود دارد اما هیچ‌وقت انتشار عمومی داده نشده است، همین مسأله سبب شده تا وضعیت مهاجران افغانستان در ایران گنگ باشد. براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۹۵ که از سوی مرکز آمار ایران منتشر شد، تعداد مهاجران افغانستان یک میلیون و ۵۸۳ هزار و ۹۷۹ نفر اعلام شد. اما حالا گمانه‌زنی می‌شود که این تعداد به ۷ تا ۸ میلیون نفر رسیده است. مردادماه - اسد - امسال هم یکی از نماینده‌های سابق مجلس به خبرآنلاین گفته بود که یک‌پنجم جمعیت

افغانستان در ایران زندگی می‌کنند. با این همه اما برآورد حقیقت طلب از تعداد مهاجران افغانستان در ایران ۵ میلیون نفر است؛ آماری که قبلاً سه میلیون نفر بود: «به هر حال زمانی که آمار اعلام می‌شود، شفاف‌سازی صورت می‌گیرد. البته در این میان هم اقداماتی که برای خروج این مهاجران غیرقانونی صورت گرفته، اطلاع‌رسانی نمی‌شود. مثلاً وزارت کشور، هیچ وقت آمار خروج این مهاجران را اعلام نمی‌کند. در مقابل اما منابع آماری غیرایرانی مثل وزارت مهاجران افغانستان یا کمیساریای عالی سازمان ملل متحد اعلام کرده بود که از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱ یک میلیون نفر و از سال ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲، ۸۰۰ هزار نفر از ایران رد مرز شده‌اند، هرچند این رد مرزها خیلی وقت‌ها با بازگشت مهاجران همراه است و مهاجرت چرخشی ایجاد کرده است.»

شبکه وسیع قاچاق بر

مهاجرت چرخشی را شبکه قاچاق مهاجر یا افغان‌کش، پررونق کرده است؛ شبکه‌ای که به گفته مدیر پژوهش انجمن دیاران، بسیار قوی عمل می‌کند و پول‌های زیادی هم از مهاجران می‌گیرد: «این شبکه‌ها درآمد بسیار بالایی دارند و طی سال‌های اخیر، تقویت شده‌اند. به هر حال هر زمان که درباره افزایش مهاجران صحبت می‌شود تنها راه حل، اخراج دسته‌جمعی آنهاست، یعنی می‌خواهند آنها را به خشن‌ترین حالت ممکن از کشور اخراج کنند. همین حالا هم نیروی انتظامی می‌تواند یک میلیون نفر از این مهاجران را از کشور اخراج کند. اما وقتی در افغانستان اشتغالی وجود ندارد، به کمک همین شبکه دوباره به کشور باز می‌گردند.» مرز نیمروز، نقطه تلاقی مهاجران افغانستان است. آنها از نیمروز به پاکستان می‌روند و از آنجا راهی ایران: «مسأله مهاجرت افغان‌ها به ایران، مختص کشور ما نیست، این مسأله در کشورهای دیگر از جمله مکزیک و آمریکا هم دیده می‌شود. به هر حال اعلام می‌شود که مهاجرت حق انسان است و در کشورهای مختلف، اختلاف سطح زندگی وجود دارد اما در کشور برخی که خودشان را ایران‌پرست معرفی می‌کنند، می‌گویند که باید مرزها بسته شود و خواستار برخوردهای خشونت‌آمیز و ملی‌گرایانه با این افرادند.» به اعتقاد این فعال اجتماعی، یکی از راه‌های حل برای کاهش تعداد مهاجران افغان در ایران، رشد اقتصادی در افغانستان است: «مسأله تنها مدیریت مهاجران نیست. دیپلماسی میان ایران و افغانستان هم در این زمینه مؤثر است، به هر حال در سال‌های گذشته کم‌کاری‌هایی صورت گرفته است، شاید سوال این باشد که چرا ایران در افغانستان کارخانه‌ای ندارد؟ به هر حال نیروی کار در افغانستان زیاد است و می‌تواند آنها را به کار گیرد.» مسأله مهم‌تر در بحث مهاجران، کودکان هستند که امسال شرایط تحصیل‌شان سخت‌تر شده و به گفته حقیقت‌طلب، اگر آنها را ثبت‌نام کنند هم جوی علیه‌شان ایجاد شده که گاهی تحصیل آنها در مدارس را غیرممکن کرده است. به هر حال بی‌سواد ماندن این کودکان منجر به تثبیت و ادامه وضعیت موجود است و در این میان از همه بیشتر هم به جامعه ایران، آسیب وارد می‌شود.

انتشار سازمان‌یافته مطالب در فضای مجازی

حمله به افغان‌ها در شهرهای مختلف ادامه دارد، برخی رسانه‌ای می‌شود و برخی تنها میان خود مهاجران دهان‌بدهان می‌چرخد، فحاشی و توهین و آزار و اذیت فزینی و کلامی اتفاقی است که برای مهاجران افغان هم غریب است. آنها می‌گویند هیچ وقت با این رفتارها مواجه نبوده‌اند. این فعال مدنی هم این خبرها را شنیده و می‌گوید که این نوع برخوردها با مهاجران در جهان هم ابیدمی شده است. افراطی‌ها در بیشتر کشورهای جهان در حال قدرت گرفتن هستند و یک جریان جهانی علیه مهاجران ایجاد کرده‌اند که ایران هم تحت‌تأثیر قرار گرفته است. حتی دیده می‌شود که برخی از نخبگان علیه افغان‌ها مطلب منتشر می‌کنند. به گفته این فعال مدنی، بیش از همه این فعالیت‌های ضد مهاجر در فضای

مجازی دیده می‌شود: «تأثیر گروه‌های فعال در فضای مجازی بالاست. افراد ناشناس با حساب‌های کاربری غیر واقعی، یک‌شنبه تشکیل شده‌اند و با انتشار یا باز نشر فلم و کلیپ‌های مختلف، به این موج دامن می‌زنند. برخی از ویدئوها کاملاً ساختگی است و نوع تولید محتوای منظم و مستمر، نشان می‌دهد که اینها کار مردم عادی نیست و اخبار و اطلاعات علیه این افراد در فضای مجازی، سازمان‌دهی شده به‌منظر می‌رسد. آنها حتی شایعه‌پراکنی هم می‌کنند و می‌گویند که طالبان می‌خواهد در ایران نماینده مجلس داشته باشد. مسأله اصلی، افزایش مهاجرت افغان‌ها از روستا به شهر است. یعنی افراد با تفکر سنتی و روستائی وارد شهرهای دیگر در کشور دیگری می‌شوند و این تفکرات، منجر به تشنج‌هایی می‌شود.»

به اعتقاد حقیقت‌طلب، پاشنه آشیل مدیریت مهاجرت، ورود غیرقانونی آنها و فعالیت گسترده افغان‌کش‌هاست: «استان سیستان و بلوچستان از استان‌های کمتر توسعه‌یافته کشور است. شرایط اشتغال برای بسیاری از مردم فراهم نیست و اگر همین قاچاق‌برها هم فعالیت نکنند، چطور باید زندگی کنند. اگر برای مردم این استان اشتغال ایجاد شود، احتمال این که افغان‌کش‌ها هم کمتر فعالیت کنند زیاد است.»

با این همه اما این فعال مدنی می‌گوید که اقداماتی برای ساماندهی مهاجران افغانستان در حال انجام است، مثل کاری که سازمان ملی مهاجرت انجام داده و آن هم یکپارچه کردن مدرک قانونی مهاجران قانونی است. از طریق این اقدام آنها می‌توانند سیم‌کارت و کارت بانکی دریافت کنند. مسأله این است که میان مهاجر قانونی و غیرقانونی، در کشور تفاوتی وجود ندارد. مهاجرانی قانونی هم به اندازه غیرقانونی‌ها محدود هستند به‌همین دلیل انگیزه‌ای برای قانونی‌کردن ورود خود ندارند. در کنار اینها هم باید با قاچاق‌بری و افغان‌کشی برخورد و برای مردم سیستان و بلوچستان، اشتغال‌زایی ایجاد شود.